

سمانه
مادر گرامی امام هادی

حدیثه
مادر گرامی امام حسن عسکری

نرجس
مادر گرامی امام زمان

بهاءالدین قهرمانی نژاد

بسم الله الرحمن الرحیم

زنان اسوه (۱۶) سمانه مادر گرامی امام هادی، حدیثه مادر گرامی امام حسن عسکری، نرجس مادر گرامی امام زمان علیهم السلام

نویسنده:

بهاء الدین قهرمانی نژاد

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زنان اسوه (۱۶) سمانه مادر گرامی امام هادی، حدیثه مادر گرامی امام حسن عسکری، نرجس مادر گرامی امام زمان علیهم السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : قهرمانی نژاد شائق ، بهاءالدین ، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور : سمانه علیهاالسلام : مادر گرامی امام هادی علیه السلام/بهاء الدین قهرمانی نژاد.

مشخصات نشر : تهران: مشعر ، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۴۷ ص. ؛۹×۵/۱۹ س م.

فروست : زنان اسوه؛ ۱۰.

شابک : ۴۰۰۰ ریال: ۷-۲۶۷-۵۴۰-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه:ص.۴۳-۴۷.

موضوع : ام الفضل

رده بندی کنگره : BP۵۲/۲ /الف ۶۷ ق۹ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۹

شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۱۰۲۰۷

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

دیباچه

سعادت واقعی انسان و شرط پویایی جوامع بشری در سایه شناخت و کارآمد کردن سیره اولیای الهی است. پر آشکار است که سیره اولیای الهی به ویژه اهل بیت خانـدان وحی (علیهم السـلام) به عنوان متقن ترین آموزه های تربیتی و اساسـی ترین مؤلفه در فرهنگ اسـلامی است. شـناخت واقعیت هـای زنـدگی آنـان و بهره گیری از روش و منش و رفتار و گفتارشان می توانـد زمینه های تعالی و سعادت واقعی انسان را فراهم سازد، از این رو پژوهش در آثار اولیای الهی به ویژه جست وجو در احوال خانـدان پاک نبوت که در دامان پر مهر آنان کامل ترین انسان ها پرورش یافته اند به منظور الگو گیری از آنان ضرورت انکارناپذیر مراکز پژوهشی است.

ص: ۸

گروه تاریخ و سیره مرکز تحقیقات حج در راستای ایفای رسالت خود برای ترویج فرهنگ اصیل اهل بیت (علیهم السلام) به شرح حال عده ای از مردان و زنان انسان ساز اقدام کرده است که این اثر، شرح حال بانوان گرامی اسلام، سمانه، مادر امام هادی (ع) ، حدیثه مادر امام عسکری (ع) و نرجس خاتون مادر آخرین حجت الهی حضرت ولی عصر (عج) است.

در پایان مرکز تحقیقات لازم می داند که از تلاش پژوهشگر محترم آقای بهاءالدین قهرمانی نژاد شائق و همه کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر تلاش نموده اند، سپاسگزاری نماید.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه تاریخ و سیره

ص: ۹

مقدمه

آشنایی با زندگی زنان برگزیده و صالح در طول تاریخ، تأثیر مهمی در الگوپذیری انسان ها دارد؛ زیرا هدف اصلی آفرینش انسان، رسیدن به بالاترین درجات تکامل روحی و معنوی است و این امر بدون بندگی خداوند متعال، محقق نمی شود. لازمه بندگی و رسیدن به قرب الهی نیز هدایت خداوند است که انبیا و برگزیدگان خداوند، این مهم را برعهده گرفته و ضمن ابلاغ دعوت حق تعالی به مردم، در مقام الگویی کامل، با عمل و نحوه زندگی و همچنین شیوه تعامل با افراد، تأثیرات شگرفی بر جوامع انسانی گذاشته اند.

یکی از پژوهش های مغفول در عرصه الگوپذیری و انسان های الگو، بررسی زندگی همسران و مادران امامان معصوم (علیهم السلام) است که چندان توجهی به آن نشده

ص: ۱۰

است. به منظور احیای این گونه پژوهش ها، در این کتاب کوشیده ایم به صورت گذرا و فشرده به زوایایی از زندگانی سه تن از مادران گرامی امامان معصوم، سمانه مادر امام جواد، حدیثه مادر امام عسکری و نرجس خاتون مادر امام زمان (علیهم السلام) بپردازیم. امید است که چراغی فروزان بر سر راه حق مداران باشد.

ص: ۱۱

فصل اول: حضرت سمانه (علیها السلام)

اشاره

ص: ۱۲

ص: ۱۳

نام و نسب

بیشتر مورخان نام این بانوی بزرگ را «سمانه» دانسته اند. (۱)در منابع تاریخی، روایی، کلامی و فقهی که دربارهٔ مادر امام هادی (ع) سخن رفته است، تصریح گردیده که «اُمّه اُمّ ولد، یقال لها سمانه» ؛ یعنی مادر امام ابوالحسن الهادی (ع) ، کنیزی بود که به وی سمانه می گفتند.

در وجه تسمیه و ریشه لغوی واژه سمانه، آنچه که از منابع لغوی به دست آمد (۲)، از تناسب ظاهری و برخورداری از جسمی مناسب و متعادل که متناسب با

۱- اصول کافی، ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۴۹۸؛ الهدایه الکبری، ابوالحسن بن حمدان الخصیبی، ص ۳۱۳؛ دلائل الامامه، محمدبن جریر الطبری الامامی، ص ۴۱۰؛ سر السلسله العلویه، ابونصر بخاری، ص ۳۸.

۲- ر. ك: لسان المیزان، ابن منظور زبیدی، ماده سَمِن، سِمان.

ص: ۱۴

روح متعالی آن بانوست، حکایت دارد.

در برخی منـابع همچون «عیون اخبار الرضا (ع)» (۱)شیـخ صدوق و نیز «احتجاج» (۲)طبرسـی، نام مادر امام هادی (ع) «سوسن» ذکر شده است (۳)که درست نیست. به نظر می رسد منشأ این اشـتباه دو چیز باشد؛ نخست آنکه هرچند پیشوای یازدهم به لقب عسکری مشهـور می باشـد، امّـا این لقب برای امـام دهم نیز ذکر شـده است و از آنجا که «سوسن» از نام های مادر امام یازدهم بوده، به دلیل همسانی لقب این دو امام، به اشتباه برای مادر امام دهم نیز قید گردیده است.

دومین نکته ای که این احتمال را تقویت می کند، بروز اشـتباهاتی است که از روزگار گذشـته در تصـحیف و مقابله و چاپ نسـخه هـای خطّی رایـج بوده است. علاـوه بر این، مسـتند ارجـاع شـیخ صـدوق نیز که پس از پـدر خویش، ابن بابویه قمی (م ۳۲۱ه. ق) و کلینی (م ۳۲۹ه. ق) می زیسته است، مشخص نیست و طبعاً صاحب احتجاج نیز به نقل صدوق (قدس سره) عنایت

۱- عیون اخبار الرضا (ع) ، ابوجعفر حسین بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) ، ج۱، ص ۴۱.

۲- الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، ص ۳۷۴.

۳- به نظر می رسـد واژه هایی چون سوسن و ماننـد آن وصف باشد، چون نام عربی خالص نیست و این خود، یکی از دلایل تقویت نظر مشهور است.

ص: ۱۵

داشته است. بنابراین و با توجه به نقل بیشتر منابع، باید سمانه را نام مبارك این مادر عالی مقام، با قید ارجحیت دانست. بیشتر بزرگان نیز از متقدمین و متأخرین همین نظر را پذیرفته اند که از آن جمله می توان به مولی صالح مازندرانی (۱)و ثقه الاسلام محدث قمی (۲)اشاره نمود.

علاوه بر نام های متعددی که برای این بانو ذکر شده است، القابی چون «منفرشه» ، «المغربیه» (۳)، «ام الفضل» (۴)و «سیده» (۵)نیز به آن بانو داده اند که همگی حاکی از تعالی روحی وی می باشد.

نام سمانه، در میان علویان و سادات رواج داشته و به دست ایشان ترویج می شده است. علی بن محمد نسّابه که از سادات نسب شناس قرن پنجم هجری است، به مواردی از آن اشاره کرده و در برخی موارد نیز به تفصیل و جزئیات آن پرداخته است. (۶)

۱- شرح اصول کافی، مولی صالح مازندرانی، ج ۷، ص ۲۹۶.

۲- الانوار البهیه، شیخ عباس قمی، ص ۲۷۳.

۳- تاریخ موالید الائمه، ابن خشّاب، ص ۴۲.

۴- نقد الرجال، سید مصطفی تفرشی، ج ۵، ص ۳۲۴.

۵- بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۵۰، ص ۱۱۳. علاوه بر آن، در کتاب وفیات الائمه، نوشته گروهی از علمای قطیف، ص ۳۵۱، به وی «مربیه» نیز اطلاق گردیده، ولی به جایی از منابع اولیه ارجاع داده نشده است.

۶- المجدی فی انساب الطالبیین، علی بن محمد علوی نسّابه، ص ۸۶.

ص: ۱۶

آنچه مسلّم است اینکه ریشه خانوادگی حضرت سمانه (علیها السلام) از سرزمینی خارج از حجاز بوده است، زیرا در بیشتر تعابیر، او را با عنوان «سمانه مغربیه» (۱)یاد کرده اند.

۱- مغرب، در اصطلاح تاریخ نگاران اسلامی، شامل سرزمین هایی بوده است که در غرب حجاز و مناطق غربی قرار گرفته بود و اصطلاحاً به آن مناطق غربی خلافت اسلامی اطلاق می شد.

ص: ۱۷

چگونگی ازدواج با امام جواد (ع)

پس از شهادت امام رضا (ع) در سی ام صفر سال ۲۰۳ه. ق به دست مأمون، زمزمه این مسئله در میان ناراضیان، به ویژه علویان و سادات حجاز و خصوصاً در مدینه پیچید و باعث شد که مأمون پس از استقرار در بغداد، توجهی جدی و در عین حال محتاطانه به زندگی امام جواد (ع) در مدینه داشته باشد. بدین منظور امام جواد (ع) را با ظاهری بسیار محترمانه به بغداد فراخواند و دخترش «ام الفضل» را به ازدواج وی درآورد.

در این میان، بزرگان بنی عباس، همان گونه که از نزدیک نمودن امام رضا (ع) به خلیفه ناخرسند بودند، در این مسئله نیز به بهانه های گوناگون از جمله کمی سنّ حضرت، نارضایتی خویش را ابراز کردند.

ص: ۱۸

امّا مأمون بـه دنبـال همـان سیاستی کـه نسبت به امـام رضـا (ع) پی گرفته بـود، برای اثبـات برتری علمی امـام جـواد (ع) ، مجلس باشکوهی از بزرگان و دانشـمندان ترتیب داده و از مطرح ترین دانشـمند دربار خویش، «یحیی بن اکثم» خواست امام را بیازماید. او نیز مسئله ای فقهی پیرامون شخص مُحرِمی که در حال احرام مرتکب صید شـده است، پرسـید و حکم آن را از امام که در سـنین کودکی بود جویا شـد. امام جواد (ع) نیز با بیان شـقوق مختلفی که ابن اکثم از اصل آنها غافل بود، همگان را متحیر کرد و آن گاه که نوبت به وی رسـید تا از ابن اکثم پرسشـی بکنـد، یک مطلب فقهی بسـیار ظریف، دقیق و لطیف را درباره مرد و زنی که در یک روز چند بار به هم حرام و سپس حلال می شوند، بیان کرد که حاضرین تا آن هنگام مانند آن را نشنیده بودند. (۱)

پس از این ماجرا، مأمون که سرشکستگی اعوان و انصارش را می دیـد، از امام خواست طی خطبه ای، ام الفضل را به عقـد خویش درآورد. بی تردید هدف

۱- این مـاجرا به طور مفصّل در منـابع گوناگون به ویژه کتب روایی علما و محـدثان شـیعی آمـده است که از آن جمله می توان به کتاب موسوعه امام الجواد (ع) ، و همچنین موسوعه کلمات الامام الجواد۷، اشاره نمود.

ص: ۱۹

پلید مأمون از این درخواست این بود که با دلجویی از امام و شیعیان وی، خود را از اتهامی که در ماجرای شهادت امام رضا (ع) میان شیعیان رواج داشت، پاک کند.

افزون بر آن، ام الفضل می توانست با زیر نظر گرفتن حضرت و رساندن اخبار لازم، خلیفه را در جریان اوضاع و رفت وآمدهای امام قرار دهد. به همین دلیل بود که هرگاه ام الفضل، به دلیل بی توجهی امام جواد (ع) به او، به پدر شکایت می کرد، مأمون با تندی او را از اینکه به فکر جدایی از امام باشد، باز می داشت. (۱)به هر روی، امام پس از ازدواج با ام الفضل، دوباره به مدینه بازگشت.

گزارشی که در برخی منابع روایی دربارهٔ شیوه ازدواج امام جواد (ع) با حضرت سمانه (علیها السلام) آمده است، نشان می دهد که امام، اوج تقیه را در این مورد مراعات نموده اند.

محمد بن فرج راوی می گوید: مولایم امام جواد (ع) مرا به حضور طلبید و مخفیانه به من گفت:

به زودی قافله ای خارج از حجاز به اینجا خواهد آمد و کنیزانی را همراه می آورد. تو این کیسه پول

۱- الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، ج ۳، ص ۳۷۴.

ص: ۲۰

را که هفتاد دینار در آن است، بگیر و دوشیزه ای را با این اوصاف که برایت می گویم و در میان ایشان است، با راضی نمودن صاحبش، تحویل گرفته، نزد من بیاور. (۱)

محمد بن فرج نیز طبق فرمایش امام و توصیفاتی که ایشان از کنیز مورد نظر نموده بود، در روز معین در محل گفته شده، حاضر شد و با شناختن آن دوشیزه محترم، او را از صاحبش به همان مبلغ خرید و نزد امام آورد.

محمد بن فرج می گوید:

دوشیزه ای که به همراه من آمد و با هم نزد امام رفتیم، همان بانویی بود که بعدها، مادر مولایم ابوالحسن، امام هادی گردید. او سمانه (علیها السلام) نام داشت. (۲)

۱- دلائل الامامه، ص ۴۱۰.

۲- مدینه المعاجز، سید هاشم بحرانی، ج ۷، ص ۴۲۰؛ دلائل الامامه، ص ۴۱۰.

ص: ۲۱

تولد هادی امّت

ایّام ذی الحجه یادآور قضایای مهمی برای اهل دیانت است. ایّام معـدودات (۱)، لیال عشر (۲)و. . . در این مـاه پرارج قرار گرفته و اوج عرفـان و بنـدگی خداونـد، در نهمین روز این مـاه که عرفه نامیـده می شـود، رخ داده است. شب نیمه ذی الحجه فرا رسـید. آن شب، مدینه حال و هوای دیگری داشت. امام جواد (ع) با همسـر و برخی نزدیکان خویش ترجیح داده بودند در محلّه «صریا» که در نزدیکی مدینه بود، به سر برند. (۳)

«صریا» نام روستایی بود که به دست امام

۱- بقره: ۲۰۲.

۲- فجر: ۲.

۳- الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، محمد بن نعمان (شیخ مفید) ، ج۲، ص ۲۹۷.

ص: ۲۲

موسی بن جعفر (ع) (۱)و به احتمال فراوان، برای مصون ماندن از تعقیب جاسوسان حکومتی بنا شده بود. بدین ترتیب امام کاظم (ع) می توانست در منزل مسکونی خود در این منطقه، به امور لازم رسیدگی کند و در مواقع خاصی که ایجاب می نمود، جلساتی را با یاران خویش برگزار نماید. (۲)فرزندان و وابستگان امام نیز از این محل استفاده می نمودند و طبیعی بود که امام جواد (ع) هم گاهی به این منزل بیاید. در قضیه تولّد آن مولود بزرگ، امام هادی (ع) نیز این مکان مهیا شده بود.

نزدیک سحرگاهان بود که ناگاه هاله ای از نور، حجره سمانه (علیها السلام) را روشن نمود. امام جواد (ع) که در حجره مجاور، مشغول راز و نیاز با خالق بی نیاز بود، در یک آن، سجده شکر نمود و این نشان دهندهٔ آن بود که هادی امت، قدم به عرصه وجود می نهاد. سمانه (علیها السلام)

۱- ابن شهرآشوب مازندرانی در مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۸۲ می نویسد: «صریا هی قریه اسَّسَها موسی بن جعفر (ع) علی ثلاثه امیال من المدینه» .

۲- مثلاً در قیام شهید فخّ در سال ۱۶۹ه. ق و در زمان خلافت هادی عباسی (۱۶۹- ۱۷۰ه. ق) ، امام کاظم (ع) که بر مبنای سیاست تقیّه، از اقدام ظاهری پرهیز می نمود، آن مجاهد بزرگ حسنی را از اتکای به مردم و وعده های ایشان بازداشت، زیرا مطمئن بود که شرایط فکری جامعه، برای هیچ قیامی مناسب نیست. ر. ک: قیام سبزجامگان، اثر نگارنده، ص۱۸۹.

ص: ۲۳

در یک آن، ملاحظه نمود فرزنـدش طاهر و مطهر متولد شده است و عرشـیان پرده نشـین، نوزاد را به آغوش او رسانده اند. نوزادش را به سـینه چسبانید و سـپس درحـالی که اشـک شوق از دیـده می ریخت، صورت، لب هـا و پیشـانی او را غرق بوسه ساخت. زنان تکبیر و ذکر الهی گفتنـد و دقـایقی بعـد، نوزاد را به آغوش پـدر رساندنـد و هـادی دل ها در آغوش پـدرش، امام جواد (ع) ، آرام گرفت.

در آن میـان نگـاه هـای ام الفضـل، دختر مـأمون و همسـر دیگر امـام جواد (ع) ، حکایت از ناراحتی درونی او داشت. ام الفضل این ناراحتی را بارها با نوشـتن نامه به پـدرش یا در دیدارهای حضوری با او، به نوعی بروز داده بود. (۱)او در حیرت بود که چرا از امام جواد (ع) دارای فرزندی نمی شود، گو اینکه از مصالح و مشیت حق تعالی خبر نداشت.

در آن میـان و در بین شـادی زنـان اهـل بیت، امـام جـواد (ع) ، بـا نوای مـترنّم خویش، گلواژه هـای اذان و اقـامه را در گوش نوزاد دلبندش خواند و سپس درحالی که همگان منتظر اعلام نام نوزاد از سوی پدر بودند، نام زیبای علی را که نام جدّ مطهرش

۱- کشف الغمّه فی معرفه الائمه، علی بن عیسی اربلی، ج ۲، ص ۳۶۵.

ص: ۲۴

امیرالمؤمنین (ع) و جدّ دیگرش، امام زین العابدین (ع) و همچنین پدرش امام رضا (ع) بود، برای وی بر گزید. آن گاه با محبّت تمام به صورت همچون ماه سـمانه (علیهـا السـلام) نگریست؛ نگاهی که از آن رضایت می باریـد و این درحالی است که رضایت امام و حجّت الهی، رضایت حق تعالی است و امام (ع) با این نگاه از سمانه تشکّر می نمود.

ص: ۲۵

فرزندان دیگر حضرت سمانه (علیها السلام)

حضـرت سمانه (علیها السلام) در طول زندگی بابرکتی که با امام جواد (ع) داشت، علاوه بر امام هادی (ع) ، چند فرزند دیگر نیز به دنیا آورد. در برخی منابع به جز امام هادی (ع) سه پسر و چهار دختر برای وی ذکر کرده انـد. از جمله «شیخ مفیـد» در «ارشاد» نام سه پسـر او را «ابو احمد، موسـی مبرقع» ، «ابوموسـی عمران» و «ابواحمد حسین» و نام دخترانش را، «فاطمه» ، «خدیجه» ، «ام کلثوم» و «حکیمه» بیان نموده است. (۱)

امّا «ابن عنبه نسّابه» ، همین تعداد پسر و دختر را با نام های «محمد» ، «موسی مبرقع» ، «حسن» ، «حکیمه» ، «بُرَیهه» ، «اَمامه» و «فاطمه» ذکر کرده است. (۲)

۱- الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۲۹۵.

۲- عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب (ع) ، ابن عنبه نسّابه، ص ۱۹۹.

ص: ۲۶

«ابن حمدان خصیبی» نیز بدون ذکر نام دختران، دو پسر به نام های «محمد» و «حسین» را بیان نموده است و اشاره ای به نام دختران ندارد، هرچند از سخن وی، عدم وجود فرزند دختر برای امام جواد (ع) و حضرت سمانه (علیها السلام) برنمی آید. (۱)

آنچه بدیهی است و می توان بی تردید آن را دربارهٔ حضرت سمانه (علیها السلام) ذکر نمود، داشتن پسری به نام «موسی بن جواد (ع)» معروف به «مبرقع» و دخترانی به نام های «حکیمه» ، «فاطمه» و «امامه» است، زیرا دو منبع ذکر شده روی این سه توافق دارند. افزون بر آن، ممکن است «ام کلثوم» همان «فاطمه» باشد. نیز روایات بسیاری در مورد «حکیمه (علیها السلام)» وجود دارد که او، عمه امام حسن عسکری (ع) بوده و در ماجرای تولّد امام عصر (عج) حضور داشت.

علاوه بر این، نمی توان نام های «بُریهه» و «خدیجه» را نیز به طور قطع از فهرست فرزندان ایشان حذف کرد؛ زیرا قرائن بیان شده، در اینجا نیز صدق می کند و ممکن است به دلایلی که گفته شد، همه موارد به ما نرسیده باشد. امّا آنچه در مورد این فرزندان از منابع

۱- الهدایه الکبری، ص ۳۱۳.

ص: ۲۷

تاریخی به دست می آید – و در مواردی که سند تاریخی در دست نیست، قرائن نشان می دهد –، آنان در پرتو هدایت و تربیت امام جواد (ع) و سپس امام هادی (ع) و همچنین در سایه محبّت مادرانه حضرت سمانه (علیها السلام) و با تحمّل سختی های بسیار، به کرامات روحی و معنوی فراوانی دست یافتند. دراین باره، تا جایی که مدارك و منابع ما را یاری می کند، می توان از پسران حضرت سمانه، به «موسی بن جواد» اشاره کرد که بعدها به «مبرقع» مشهور شد.

واژه «برقع» به معنای نقاب است و همچنین می تواند نشانه ای از نورانیت چهره تلقی شود. موسی مبرقع در دوره امامت برادرش امام هادی (ع) ، به دلیل مخالفت شدید و رفتار ددمنشانه متوکل عباسی (۲۳۲-۲۴۷ه. ق) که در نهایت به شهادت امام منجر شد و با توجه به وجود مخالفان حکومت عباسی در شرق خلافت اسلامی مانند اشعریان در قم، پس از مدتی فعالیت در حجاز و عراق به سوی کاشان آمد و در منزل «احمد بن عبدالعزیز بن دلف عجلی» سکونت نمود. (۱)

۱- قیام سبزجامگان، ص ۱۳۳.

ص: ۲۸

احمد بن عبدالعزیز، از بزرگان شیعه کاشان بود و موسی را بسیار گرامی داشت. اشعریان قم، با شنیدن حضور موسی مبرقع در کاشان، به آنجا رفتند و او را با اصرار فراوان به قم بردند. (۱)آنها منزل مناسبی برای موسی مبرقع در قم خریداری کردند و درآمد چند روستا را نیز برای فعالیت تبلیغی در اختیار وی قرار دادند. (۲)مدتی پس از حضور موسی مبرقع در قم، عده ای از خاندان اهل بیت به او پیوستند.

حضور موسی مبرقع در قم باعث رونق بیشتر تبلیغی اهل بیت در آنجا شد و به تدریج سادات و علویان از حجاز و عراق به این منطقه آمده، در آن سکونت نمودند. نتیجه این مهاجرت ها، تقویت نهادهای علمی و فرهنگی مربوط به تشیع در این شهر شد؛ به گونه ای که بعدها و در قرون چهارم به بعد، این شهر، مرکز مستحکمی برای تشیع در ایران محسوب گردید. هم اکنون وجود مرقد امامزادگان متعدد در شهر قم، شاهد محکمی بر این مدعاست.

از دیگر فرزندان حضرت سمانه (علیها السلام) که نقش مؤثر او را در حوادث بعدی می بینیم، حضرت حکیمه (علیها السلام)

۱- قیام سبزجامگان، ص ۱۳۴.

۲- قیام سبزجامگان، ص ۱۳۴.

ص: ۲۹

است که به مراتب عالیه ای از علوم آل محمد (ص) نزد امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری (علیهم السلام) دست یافت؛ به گونه ای که در ماجرای ازدواج امام عسکری (ع) با حضرت نرجس (علیها السلام) ، مأمور تعلیم آموزه های دینی به نرجس (علیها السلام) شد (۱)و در قضیه تولد منجی موعود، امام عصر (عج) نیز حضور داشت.

در مورد دیگر فرزندان حضرت سمانه (علیها السلام) ، اطلاعات چندانی در منابع روایی و تاریخی دیده نمی شود، امّا می توان حدس زد که آنها نیز به نوعی از برکات این زندگی آسمانی بهره برده و در کمال محبت و معنویت زیسته اند. هرچند به دلیل فشارهایی که از سوی دستگاه خلافت بر اهل بیت وجود داشته، بر ایشان نیز رنج و محنت فراوانی وارد آمده است.

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲.

ص: ۳۰

ص: ۳۱

رخدادهای مهم دوره زندگی حضرت سمانه (علیها السلام)

براساس منابع موجود، می توان زندگی حضرت سمانه (علیها السلام) را به سه مرحله تقسیم کرد. مرحله نخست، پیش از ازدواج با امام جواد (ع) است. جزئیات این مرحله برای ما آشکار نیست و تنها می دانیم که پدر ایشان به احتمال فراوان از موالی یا اسیران بوده و در حجاز رشد کرده است و خود سمانه (علیها السلام) نیز به شکل کنیز، به طور مستقیم از مغرب به حجاز آمده و در آنجا به وصال امام جواد (ع) رسیده است.

مرحله دوم، دوران زندگی وی با امام جواد (ع) است. این دوران که با خلافت مأمون (۱۹۸–۲۱۸ه. ق) و معتصم (۲۱۸–۲۲۷ه. ق) همزمان بود، با سخت گیری دستگاه حاکم بر همسرش سپری شد و سمانه (علیها السلام) این دوران را با تمام سختی های آن تجربه نمود. در همین

ص: ۳۲

دوران و به سال ۲۲۰ه. ق بود که معتصم، شهادت همسرش را، مظلومانه و غریبانه در بغداد به دست ام الفضل رقم زد.

در این دوران، سمانه (علیها السلام) در پرتو عنایت و تعالیم ویژه امام جواد (ع) ، به مقامات روحی و مدارج معنوی خاصی دست یافت؛ به گونه ای که در زبان امام هادی (ع) ، از او با عنوان عارفه یاد شده است. (۱)

او از آزار و اذیّت ام الفضل، دختر مأمون و همسر تحمیلی امام جواد (ع) ، مصون نبود، ولی با روحی بلند و به خاطر مصلحت امام (ع) ، آن را تحمل می کرد. وی از آزار و اذیت فراوان ام الفضل نسبت به امام جواد (ع) نیز به شدت غمگین می شد، ولی به امر امام، شکیبایی می ورزید. (۲)

مرحله سوم زندگی حضرت سمانه (علیها السلام) ، دوران زندگی وی پس از شهادت مظلومانه همسرش امام جواد (ع) در سی ام ذی القعدهٔ سال ۲۲۰ه. ق می باشد. چگونگی سپری شدن این دوران نیز برای ما روشن نیست و به درستی نمی دانیم که او چند سال پس از امام زنده بود، چه زمانی از دنیا رفته و در کجا

۱- الانوار البهیه، ص ۲۷۳.

۲- الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۳۷۴.

ص: ۳۳

به خـاک سپرده شـد. امّـا بـا عنـایت به سـختی هـایی که پس از شـهادت امام جواد (ع) برای فرزنـدش امام هادی (ع) در دوره واثق (۲۲۷-۲۳۲ه. ق) و سـپس در دوره متوکل (۲۳۲-۲۴۷ه. ق) پیش آمـده است، می توان حـدس زد که او نیز از این سـختی ها مصون نبوده است.

ص: ۳۴

ص: ۳۵

جایگاه معنوی حضرت سمانه (علیها السلام)

اشاره

بدون تردید، مادران پیشوایان الهی در دو ویژگی ممتازند: نخست اینکه در مسیر همراهی با همسرشان که حجّت خداوند بوده است، قابلیت هایی را کسب نموده و به مدارج روحی بالایی رسیده اند و دوم اینکه امامی معصوم و حجتی الهی از دامن پاکشان به عرصه وجود آمده است.

(ذٰلِکَ فَضْلُ اللهِ یُؤْتِیهِ مَنْ یَشاءُ وَاللهُ ذُوالْفَضْلِ الْعَظِیمِ) (الجمعه: ۴)

در واقع این تفضّل الهی است که به هر که بخواهد عنایت کند، همانا حق تعالی دارای تفضّل بزرگی می باشد.

در این قسمت برآنیم تا جایگاه و مرتبه بانو سمانه (علیها السلام) را تا جایی که منابع و قرائن یاری می دهد، بیان کنیم.

ص: ۳۶

مقام طهارت روحی و معنوی

همان طور که در زیارت وارث، خطاب به اباعبدالله الحسین (ع) می خوانیم و نسبت به دیگر پیشوایان معصوم نیز معتقدیم، آنان از رحم هایی متولد شده اند که دارای مقام طهارت حقیقی بوده اند. صفوان جمّال از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود: چون قبر امام حسین (ع) رسیدی بر در روضه بایست و این کلمات را بخوان: (۱)

اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ آدَمَ صَفوَهِ اللهِ. . . ، یا اَباعَبدِاللهِ، اَشهَدُ اَنَّکَ کُنتَ نُوراً فِی الاَصلابِ الشامِخَهِ وَالاَرحامِ المُطَهَّرَهِ. (۲)

سلام بر تو ای وارث آدم، برگزیده خداوند. . . ، ای اباعبدالله! گواهی می دهم که تو در صلب های عالی پدران و در رحم های مطهر مادران، نور پاک الهی بودی.

وصف ارحام مطهره، درباره مادر دیگر امامان معصوم (علیهم السلام) نیز صادق است. مقام پاکی و طهارت این مادران، آن چنان عظیم است که نمی توان آن را درک نمود. همین بس که خداوند متعال، واژه طهارت را در

۱- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ص ۸۷۳ به نقل از ابن قولویه.

۲- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ص ۷۸۳.

ص: ۳۷

کتاب خویش، عنصر اصلی ترقّی و تعالی روحی و مهم ترین قلّه صعود انسانی و اصلی ترین دستگیره نجات و همچنین وسیله نهایی برای نیل به حقایق قرآن دانسته است.

بی تردید، همنشینی و همراهی با حجّت خداوند متعال، چه به عنوان همسر و چه به عنوان مادر، مجال صعود به قله های والای انسانی را برای این نیک سیرتان به وجود آورد. هر چند زنانی مانند جعده، دختر اشعث بن قیس کندی و همسر امام مجتبی (ع) و همچنین اُم الفضل، دختر مأمون و همسر امام جواد (ع) که این دو امام معصوم را به شهادت رساندند و نیز زنان برخی پیامبران بزرگ الهی مانند همسر لوط و همسر نوح، از این فیض الهی بهره نبردند و با عمل سوء خود، بر سیاهی دلشان افزودند.

امّا همسران پاک سیرتی همچون حضرت سمانه (علیها السلام) ، با بهره گیری از این موقعیت عظیم، خود را در صف انسان های پاک و مطهر قرار دادند و چون در مسیر امامت و صراط حق حرکت کردند، توانستند با کسب رضایت امام خویش - که اصلی ترین عامل رسیدن به درجات عالیه است -مطهره شوند و مطهره از دنیای فانی به دیار باقی کوچ کنند.

ص: ۳۸

ولایت پذیری

از مهم ترین مسائلی که در وجود مادران امامان (علیهم السلام) دیده می شود، رسیدن به مقام ولایت پذیری به معنای واقعی آن است. در احادیث، قبول ولایت، رکن اصلی دین شمرده شده است.

امام باقر (ع) در این باره می فرماید:

بُنِیَ الإسلامُ عَلی خَمسٍ، اَلصَّلاهُ وَالصَّومُ وَالحَجُّ وَالزَّکاهُ وَالوِلایَهُ وَ ما نُودِیَ بِشَیءٍ کَما نُودِیَ بِالوِلایَه. (۱)

همانا اسلام، بر پنج رکن استوار شده است؛ نماز،

روزه، حج، زکات و ولایت و مردم به چیزی بالاتر از ولایت خوانده نشده اند.

بر پایه این روایت، ولایت پذیری از همه واجبات الهی و حتی از نماز که ستون دین می باشد، برتر دانسته شده است. بر این اساس، عمل بدون ولایت هَباءً مَنْثُوراً (فرقان: ۲۳) و عملی باطل و بیهوده خواهد بود. بسیاری از اشخاصِ به ظاهر دیندار از صدر اسلام تاکنون، به دلیل فقدان همین اصل به

۱- این روایت، حدیثی صحیح بوده، در بیشتر کتب روایی و فقهی شیعه وارد شده است و نگارنده آن را از کتاب الذکری، شهید اوّل، ۷۸۶ه. ق، نسخه خطّی کرمانی سنه ۱۲۷۲ه. ق، ص ۵۷ نقل می نماید.

ص: ۳۹

قهقرا رفته اند.

اما حضرت سمانه (علیها السلام) را در این باره حکایت دیگری است. او در مقام ولایت پذیری به کمال رسیده بود و رضایت امام معصوم از وی برای اثبات این سخن، نشانه ای است با ارزش.

امام هادی (ع) با تصریح به این موضوع فرموده است:

«اُمّی عارِفَهٌ بِحَقّی» (۱)؛ «همانا مادرم به ولایت من ایمان و آگاهی کامل داشت» .

بی تردید این روایت، نشان از رضایت قطعی امام هادی (ع) از بانو سمانه و علامت ولایت کامل او است. علاوه بر آن شیوه زندگی وی با امام جواد (ع) و سختی هایی که بر اثر پیشامدهای گوناگون در ضمن این زندگی برای او پدید آمده است نیز می تواند نشان از رضایت امام جواد (ع) از او باشد.

مقام قنوت

خداوند در قرآن کریم خطاب به حضرت مریم (علیها السلام) می فرماید:

(یا مَرْیَمُ اقْنُتِی لِرَبِّکِ وَ اسْجُدِی وَارْکَعِی مَعَ الرَّاکِعِینَ) (آل عمران: ۴۳)

۱- دلائل الامامه، ص ۴۱۰.

ص: ۴۰

ای مریم، برای خدایت، [به شکرانه برگزیدگی و پاکی و برتری بر تمام زنان جهان] خضوع کن و سجده به جا آور و با رکوع کنندگان رکوع کن.

مقام خضوع نزد خداوند متعال، بسیار ارزشمند و والاست و انسان های برگزیده، بر این مقام ستوده شده اند. این مقام روحی، نشان دهنده تعالی و عظمت معنوی شخصی است که در برابر شأن کبریائی حق تعالی، به مقامی از یقین و باور رسیده است که گویی عرصات و عوالم را با چشم سر می بیند. رسیدن به مقام قنوت در مردان خدا و علمای ربّانی از زمان های گذشته تاکنون به چشم می خورد و بدیهی است که برای بندگان صالحی چون حضرت سمانه (علیها السلام) که به افتخار همسری و مادری امام معصوم رسیده است، دست یافتن به این مقام آسان تر است. به همین مناسبت در وصف حضرت سمانه (علیها السلام) آمده است که:

کانَت مِنَ القانِتات. (۱)

[سمانه (علیها السلام)] از زنان اهل خضوع و خشوع [در برابر ذات باری تعالی] بود.

۱- عیون المعجزات، حسین بن عبدالوهاب، ص ۱۱۸.

ص: ۴۱

توصیف امام هادی (ع) از مقام مادرش

امام هادی (ع) در سخنی نغز، مادرش سمانه (علیها السلام) را چنین معرفی می نماید:

اُمّی عـارِفَهٌ بِحَقّی وَهِیَ مِن اَهـلِ الجَنَّهِ لایَقرُبها شـیطانٌ مارِدٌ وَلایَنالُها کَیـدُ جَبّارٍ عَنیـدٍ وَهِیَ مَکلُوءَهٌ بِعَینِ اللهِ الَّتی لاتَنامُ وَلاتَتَخَلَّفُ عَن اُمّهاتِ الصِّدّیقینَ وَالصّالِحینَ. (۱)

مـادرم عـارف به حق [ولاـیت] من است. او از اهـل بهشت و از شـیطان خـبیث در امـان است و حیله زورگوی لجوج به او نرسـد. او همواره در پناه چشمان خداوندی است که هیچ گاه به خواب نمی رود و از مادران صلحا و صدیقین تخلّف نمی کند.

با نگرشـی ژرف به این روایت، به برخی مقامات روحی و الهی حضرت سمانه (علیها السلام) پی می بریم. از جمله آنها مقام معرفت به حق امـام است. همچنین بهشتی بودن و به راستی چه زیبـا بشـارتی است که در دنیا به شخصـی بگوینـد که تو اهل بهشت خواهی بود. به ویژه اینکه بشارت دهنده حجّت خدا باشد. گفتنی است حضرت خدیجه (علیها السلام) نیز به این مقام دست یافت و

۱- دلائل الامامه، ص ۴۱۰.

ص: ۴۲

خداوند متعال به وسیلهٔ پیامبرش، وی را از برگزیدگان و سروران زنان بهشتی خواند. (۱)

وصف دیگر که آن نیز مرتبهٔ والای بانو سمانه (علیها السلام) را نشان می دهد، نزدیک نشدن شیطان سرکش به او است. آری، اینکه وسوسه شیطان در شخصی کارگر نشود شگفت آور است و این تأیید امام معصوم، ما را به درک عظمت این مادر رهنمون می سازد.

افزون بر اینها، اینکه بانو سمانه (علیها السلام) در مقام محفوظ الهی بوده است و در نهایت اینکه امام (ع) او را از جمله مادران صدیقان و صالحان دانسته است، به گونه ای که هیچ گاه از این وصف خالی نخواهد شد، خود دلیل دیگری است بر بلندی جایگاه این بانوی فرزانه.

با همهٔ این اوصاف، واقعیت این است که این مادران، آن گونه که شایسته است، شناخته نشده اند و ضروری است که برای درک شخصیت والای این پاک سیرتان، در متنِ این گونه روایات تعمّق فراوان نمود و از دریای بی کران آن بهره برد. آنچه گذشت، گوشه هایی بود از مقامات بلند روحی و معنوی این بانوی بزرگ.

۱- المسند، احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۹۳.

ص: ۴۳

وَالسَّلامُ عَلَیها یَومَ وُلِدَت وَ یَومَ ماتَت وَ یَومَ تُبعَثُ حَیّاً. . .

سلام بر او روزی که [از مادر] متولد شد و روزی که دار فانی را وداع گفت و روزی که [از قبر مطهر خویش] مبعوث شود.

سلام بر تو ای همسر حجّت حق تعالی و سلام بر تو ای مادر هادی امّت. به امید آنکه عنایت تو در حقّ ما در دنیا و آخرت جاری شود.

ص: ۴۴

ص: ۴۵

فصل دوم: حضرت حدیثه (علیها السلام)

اشاره

ص: ۴۶

ص: ۴۷

نام و نسب

منابع تاریخی نام های متفاوتی را برای مادر امام حسن عسـکری (ع) ذکر کرده اند. البته این مسـئله تنها مربوط به ایشان نیست. بلکه دربـاره مادران امام جواد، امام هادی (علیهما السـلام) و امام عصـر (عـج) نیز نام های متفاوتی ذکر شـده است. دلیل این امر، سـخت گیری شدیـد حاکمـان زمـان در حق خانـدان اهـل بیت (علیهم السـلام) و از آن سو پنهـان کردن حقایق موجود بوده است. همچنین مسـئله مهـدی آل محمـد (عـج) ، براسـاس روایـات پیامبر (ص) اشـتهار یافته بود و حساسـیت خلفای جور در یافتن او باعث شـد که اسامی و شیوهٔ زندگی این مادران بزرگوار، با نقل های متفاوت در منابع ذکر شود.

در نوشتار، از این همسر و مادر بزرگوار با نام حُدَیث یا حدیثه نام برده می شود. برخی منابع مهم نام

ص: ۴۸

وی را حدیث یا سلیل که ممکن است لقب او باشد، ذکر کرده اند. در تعلیقه کتاب «کمال الدین» شیخ صدوق چنین آمده است:

المشهور اسمها حُدَیث مصغراً أو سلیل. (۱)

مشهور آن است که نام او (مادر ابومحمد، حسن بن علی عسکری) حُدیث یا سلیل بوده است.

که البته همان حَدیث به غیر مصغر معروف تر است.

شهید اول در کتاب «الدروس» می نویسد:

الامام التقی الهادی ولیّ المؤمنین، ابو محمد الحسن بن علی العسکری اُمّه حدیث، اُمّ ولد. (۲)

مادر امام هدایتگر و سرپرست مؤمنان، یعنی امام عسکری، حدیث نام داشت که [به ظاهر] کنیز بود.

از دیگر منابعی که نام حضرت را حدیث ذکر کرده اند می توان به کتاب کلینی در کافی (۳)، دلائل الامامه طبری صغیر (۴)، ابن حمدان (۵)در الهدایه الکبری، شیخ مفید (۶)در

۱- کمال الدین، شیخ صدوق، ص۳۰۷.

۲- الدروس الشرعیه، شهید اول، ج۲، ص۱۵.

۳- اصول کافی، شیخ کُلینی، ج۱، ص۴۲۱.

۴- دلائل الامامه، طبری، ص۴۲۴.

۵- الهدایه الکبری، ابن حمدان، ص۳۲۷.

۶- الارشاد، شیخ مفید، صص۶۹ و ۳۳۵.

ص: ۴۹

الارشاد، ابن شهرآشوب (۱)در المناقب، طبرسی در اعلام الوری (۲)و. . . اشاره نمود. افزون بر منابع متقدم، برخی منابع متأخر نیز همین عقیده را دارند؛ از جمله تفرشی، متوفای قرن ۱۱ه. ق در «نقدالرجال» می نویسد: «الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی العسکری (ع) کنیتُهُ ابومحمد. . . اُمّه اُمّ ولد یقال لها حدیث» . (۳)جابلقی (متوفای ۱۳۱۳ه. ق) نیز نامی به همین مضمون ولی با عنوان محدثه آورده است. (۴)مرحوم محدث قمی (متوفای ۱۳۵۹ه. ق) نیز می نویسد: «

اُمّه اُمّ ولد تسمّی حدیث . . .» . (۵)

حسین بن عبدالوهاب همچنین درباره سلیل که نام دیگر وی یا لقب اوست، می نویسد:

الحسن بن علی وهو الحسن الأخیر بالنص علیه من أبیه و قام بأمر الله عزّوجلّ واتّبعه المؤمنون و اسم امّه علی ما رواه اصحاب الحدیث، سلیل و قیل حدیث و الصحیح سلیل. (۶)

۱- مناقب آل ابی طالب، ابن شهرآشوب، ج۳، ص۵۲۳.

۲- اعلام الوری، الطبرسی، ص۳۶۷.

۳- نقد الرجال، التفرشی، ج۵، ص۳۲۴؛ با توجه به اینکه منابع نام مادر حضرت را حُدَیث آورده اند، ولی از او با حدیثه نیز نام برده می شود که ممکن است به جهت مؤنث بودن صاحب نام، تاء تأنیث به آن اضافه شده و حُدیث به حدیثه تصحیح شده باشد. .

۴- طرائف المقال، سیدعلی اصغر جابلقی، ج۲، ص۲۲۲.

۵- الانوار البهیه، محدث قمی، ص۳۰۳.

۶- عیون المعجزات، حسین بن عبدالوهاب، ص۱۲۳.

ص: ۵۰

امام عسکری که به نصّ پدرش امامت یافت و به این امر الهی قیام کرد و مؤمنان پیروی اش کردند، نام مادرش بنابر روایت اصحاب حدیث، سلیل است و عده ای گفتند نام وی حدیث (حدیثه) بوده، ولی صحیح آن است که او را سلیل بخوانیم.

سلیـل به معنـای لغوی آن (یعنی ذریه) دربـاره رسول خـدا (ص) نیز به کار رفته است، چنان که در کتاب «المزارالکبیر» و در زیارت رسول اعظم (ص) می خوانیم:

«و انک سلیل الاعلام الساده» (۱)؛ «همانا تو از سلاله و ذریه بزرگان و شریفان هستی» .

به همین مناسبت معنای لغوی است که ابن نمای حلّی در «مثیرالاحزان» (۲)و سید بن طاووس در «اقبال الاعمال» (۳)در وصف علی بن الحسین الاکبر (ع) آورده اند:

«السلام علیک یا اوّل قتیل من نسل خیر سلیل من سلاله ابراهیم الخلیل» .

طبرسی صاحب احتجاج نیز سلیل را به معنای ذرّیه آورده و در وصف امام مجتبی (ع) می نویسد:

«سلیل خاتم النبوه ومعدن الرساله وسید شباب اهل الجنه» . (۴)

۱- المزار الکبیر، محمدبن المشهدی، ص۶۳.

۲- مثیر الاحزان، ابن نمانی حلّی، ص۶۷.

۳- اقبال الاعمال، سید بن طاووس.

۴- الاحتجاج، طبرسی، ج۲، ص ۳۰.

ص: ۵۱

جوهری در معنای سلیل نوشته است:

«والسلیل الوادی الواسع» (۱)؛ «سـلیل زمین وسیع پربرکت است» . اما وجه تسمیه مادر امام عسکری به این نام به خاطر پربرکت بودن وجود ایشان و نیز از روی احترام و عظمت وی نزد امام هادی و امام عسکری (علیهما السلام) بوده است.

نام های دیگری مانند ریحانه، سوسن، سـقوس، شـکل النوبیه، جدّه، حکیمه و محدثه برای او گفته اند که در منابع فوق الذکر نیز به آن اشاره شده است.

۱- الصحاح، الجوهری، ج۳، ص ۷۳۰ و ج ۳۱، ص۱۷.

ص: ۵۲

ص: ۵۳

ازدواج با برکت

در پی شـهادت امـام جواد (ع) در سال ۲۲۰ه. ق، حضـرت سـمانه، (همسـر امام جواد و مادر امام هادی (علیهما السلام)) ، سرپرستی فرزنـدانش را به عهـده گرفت. وی منتظر زمـان منـاسبی برای ازدواج فرزنـدش امـام هادی (ع) بود و در این میان، دوشـیزه ای به نام حدیثه نظرش را جلب کرد. وقتی حضـرت سـمانه از رضایت امام هادی (ع) آگاه شد، زمینه این ازدواج با برکت را فراهم کرد. وی از اینکه امام بعدی از همین بانو متولد خواهد شد، بسیار مسرور بود.

اولین فرزنـد امـام هـادی (ع) و حـدیثه (علیهـا السـلام) ، پسـر بود و نـام او را محمـد گذاردنـد. آثـار نجابت و بزرگی از همان اوان طفولیت در چهرهٔ او پیدا بود. از این رو برخی خواص، می پنداشتند که پس از پدرش او امام شیعه

ص: ۵۴

خواهد بود.

محمـد بعـدها درگـذشت، اما به خاطر فضائل و بزرگواری اش در طول تاریـخ شـیعه از او به بزرگی یاد شده و مزار وی در نزدیکی سـامرا، همواره مورد توجه و احترام مؤمنـان بوده است. (۱)حضـرت حدیثه دو پسـر دیگر به نام های حسـین و جعفر و دختری به نام عالیه، به دنیا آورد. (۲)

جعفر بعدها به خلفای عباسـی، خصوصاً معتمد عباسـی گرایش پیدا کرد و گروهی به واسطه او گمراه شدند؛ به همین دلیل به جعفر کذّاب شهرت یافت (۳)و این حاکی از انحراف عقیدهٔ وی بود. ولی بنابر نقل کلینی، طبق توقیع شریف امام عصر (عج) به محمد بن عثمان و تصریح وی به این مطلب، جعفر موفق به توبه شده است. (۴)

۱- مشهور است که در عراق و بین شیعیان، هنگام مرافعه و لزوم قسم یاد کردن شخص منکر، او را در حرم محمد بن علی الهادی یا مزار سید محمـد قسم می دهند و معتقدند، هیچ کس جرئت قسم دروغ در بارگاه وی را ندارد. علاوه بر آن کرامات فراوانی از این امامزاده واجب التکریم به اثبات رسیده است؛ ر. ک: زائر کربلا، جواد محدثی، ص ۵۸.

۲- اعلام الوری، ج۲، ص۱۳۳؛ کفایه الاثر، خزّاز قمی، ص۱۶۲؛ فصول المهمه، ابن صباغ مالکی، ص ۲۹۰.

۳- کمال الدین، ص۳۲۱؛ عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، ابن عنبه، ج۲، ص۱۴۲؛ بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۳۱.

۴- عمده الطالب، ج۲، ص۱۴۲.

ص: ۵۵

سرانجام در شب هشتم ربیع الثانی سال ۲۳۲ ه. ق، وعده خداوندی تحقق یافت و از حدیثه فرزندی طاهر متولد شد که نامش را حسن (ع) گذاشتند.

بعدها القابی همچون زکی، طیب و عسکری، به ایشان داده شد، ولی به دلیل سکونت در محله عسکری سامرا و تحت نظر بودن در این مکان، به عسکری شهرت یافت. (۱)

۱- فرهنگ زیارت، جواد محدثی، ص ۲۷۶.

ص: ۵۶

ص: ۵۷

تحمّل شدائد و همراهی با حجّت خداوند

از فضایل و امتیازات روحی همسر امام هادی و مادر امام عسکری (علیهما السلام) ، تحمل سختی هایی بود که دستگاه حاکم عباسی بر امامان معصوم وارد می آوردند. یکی از فشارهای دستگاه حاکم بر امام هادی (ع) این بود که در دوره متوکل عباسی به شهر سامراء که از نظر نفوذ ترکان و انتقال پایتخت به این شهر، اهمیت زیادی داشت، فراخوانده شد. امام با خانواده خود از مدینه به سامراء رفت. بدین صورت که ابتدا امام را در منطقه ای به نام الصعالیک (۱)حبس کردند. یکی از یاران حضرت به نام صالح بن سعید نقل می کند که من از این جسارت متوکّل به امام به

۱- مکانی بوده که در آن فقرا و ضعفا را جای می دادند و متوکل به قصد جسارت کردن به امام چنین کاری کرد.

ص: ۵۸

گریه افتادم و حضرت با کرامت الهی، آینده نزدیک را به من نمایاند و فرمود: «به زودی از این مکان بیرون خواهد رفت» . (۱)

پس از مدت کوتاهی که در حبس بود، سرانجام با خرید خانه ای، در این شهر ساکن شد. کنترل نظامی آن حضرت، خانواده و یارانش از اهداف مهم خلیفه عباسی بود. به احتمال فراوان یکی از اهداف آنان این بود که بر فرزند نُهم امام حسین (ع) که مهدی موعود (عج) محسوب شده و در روایات از وی نام برده شده بود، دست یابند.

در پی این هدف بارها مأموران متوکّل شبانه به خانه امام ریختند و در این سختی ها، حضرت حدیثه (علیها السلام) ، در کنار امام بود و شدائد و سختی ها را تحمل می کرد.

۱- بصائر الدرجات، صفار، ص۴۲۶.

ص: ۵۹

داغ هجران

رفت و آمدهای مأموران حکومت پیرامون منزل امام هادی (ع) ، همهٔ اهل خانه، به ویژه حضرت حدیثه (علیها السلام) را سخت نگران می کرد. مأموران خلیفه به جهت نظامی بودن منطقه سامراء و محل سکونت امام، به بهانه های متفاوت، وارد منزل امام می شدند. آن حضرت نیز که شهادت خود را نزدیک می دید، امام حسن عسکری (ع) را به عنوان جانشین خویش به اهل بیت (علیهم السلام) و یاران خود معرفی کرد. (۱)

روز دوّم رجب سال ۲۵۴ه. ق، حال جسمی امام، خبر از آن می داد که عوامل خلیفه سمّی مهلک را به وی خورانده اند. (۲)دگرگونی حال امام، باعث اضطراب فوق العاده

۱- کافی، کلینی، ج۱، ص۳۲۵.

۲- به جزئیات این مسئله در منابع اشاره نشده است.

ص: ۶۰

در نزدیکـان وی شـد. طبعاً مصـاحبت بـا امام، این بانوی بزرگوار را به مقام صبر و شـکیبایی فوق العاده رسانـده بود، ولی زخم این فراق، بسیار عمیق می نمود. نیمه های شب سوّم و نزدیک فجر، روح قدسی امام به سوی حق تعالی پرواز کرد و ناله و شیون از خانه امام به پاخاست. (۱)

آن روز، مراسم تشـییع امام هادی (ع) در اوج انـدوه و ناله اصـحاب و خاندان وی انجام شد. در منزل امام غوغایی بود. در اطاقی که زنـان حضور داشـتند، حضـرت حـدیثه (علیهـا السـلام) ، هم می بایست خود صبر و شـکیبایی می کرد و هم به دیگران درس صبر و استقامت می داد.

او به ویژه زمانی که دید، فرزندش در هجران پدر بی تابی می کند (۲)، اندوهش بیشتر می شد و اشک می ریخت، اما چاره ای جز صبر و تحمل نداشت.

امـام هادی (ع) را طبق وصـیت خودش، در یکی از اطاق های منزلش دفن کردنـد (۳)و این می توانست، باعث تسـکین روحی برای حضرت حدیثه (علیها السلام) باشد؛ چون که همواره در کنار مدفن همسرش بود.

۱- دروس، شهید اول، ج۲، ص۱۵.
۲- کشف الغمه، ج۳، ص۴۱۸؛ مدینه المعاجز، ج۷، ص۶۵، مصائب اهل البیت: ، ص۲۳۶.
۳- الفصول المهمه، ابن صباغ، ج۲، ص۱۰۷۴.

ص: ۶۱

در طریق ولایت

حضـرت حدیثه (علیها السـلام) از همان زمان شـهادت همسرش، به عنوان مادر و محل اعتماد فرزند و امام خویش، در مسیر و طریق امامت و ولایت قرار داشت. منابع مهمی او را محرم راز ائمه (علیهم السـلام) معرفی کرده انـد؛ به گونه ای که او را ملجأ و پناه شـیعه خوانده اند. محدث قمی در این باره می نویسد:

کفی فی فضلها انّها کانت مفزع الشیعه بعد وفاه ابی محمد (ع) . (۱)

در فضیلت این بانو همین بس که پس از شهادت امام عسکری (ع) ، ملجأ و پناه شیعه بوده است.

محدث قمی این روایت را به شیخ صدوق و از طرف او به احمد بن ابراهیم مستند می نماید. (۲)

۱- الانوار البهیه، ص۳۰۳.

۲- الانوار البهیه، ص۳۰۳.

ص: ۶۲

وی چنین آورده است:

روی الشیخ الصدوق عن احمد بن ابراهیم قال: دَخلتُ عَلی حَکیمهَ بنتِ مُحمّدِ بنِ علیٍّ الرِّضا (ع) اُختِ أبی الْحَسنِ صاحبِ العسکرِ (ع) فی سنه اثنتین و ستّین و مأَتین فَکلّمتُها منِ وَراءِ حِجابٍ وَ سَألتُها عن دینها فَسمَّتْ لی مَن تَأتمُّ بِه ثُمّ قالتْ: وَالحجهبن الحسن (ع) فسمته إلی أن قال فَقُلتُ لَها: أینَ الْولدُ یَعنی الحجهَ قالتْ مَستورٌ، فَقُلتُ: الی مَن تَفزَعُ الشّیعهُ، فَقالتْ اِلی الْجِدَّهِ، اُمّ أبی مُحمدٍ (ع) فَقُلتُ لها: أقتدِی بِمَن وَصیّتهُ اِلی امْرأهٍ؟ قالتْ: إقتداءً بِالْحُسینِ بنِ علیٍّ بنِ أبی طالبٍ (ع) ، اِنَّ الْحُسینَ (ع) اَوْصی إلی اخُتِه زینبَ بِنتِ علیٍّ (ع) فِی الظّاهر و کَان مَا یَخرُج عَن علیّ بنِ الْحسین (ع) مِن علمٍ یُنسَبُ إلی زینبَ بِنتِ عَلیٍّ مُستتراً عَلی علیّ بنِ الحُسین (ع) . (۱)

شیخ صدوق از احمد بن ابراهیم نقل می کند که او گفته است: به محضر حکیمه، دختر امام جواد (ع) و خواهر امام هادی (ع) در سال ۲۶۲ه. ق رسیده و از پشت پرده درباره دینش با او صحبت کردم. او امامش را معرفی کرد و سپس گفت: حجت بن الحسن، آن گاه نام او را بر زبان آورد. از او پرسیدم:

۱- الانوار البهیه، ص۳۰۳.

این فرزند را کجا می توان محضرش شرفیاب شد؟ فرمود: او در پشت پرده غیبت و مستور است و دسترسی به وی ممکن نیست! پرسیدم: پس شیعه به که پناه برد؟ فرمود: به مادر امام حسن عسکری (ع) ! پرسیدم: آیا به کسی که زن است اقتداء کرده و او را در این خصوص مقدم نمایم؟ حضرت حکیمه (علیها السلام) فرمود: این کار دقیقاً مانند وصیت نمودن امام حسین (ع) به خواهرش زینب (علیها السلام) بود که وی مطالب امام زین العابدین (ع) و اوامر او را انجام می داد و با این کار، باعث پوشیده شدن راز امامت امام سجاد (ع) شد.

این روایت بسیار درخور دقت است و اوج تعالی روحی حضرت حدیثه (علیها السلام) را نشان می دهد. مقایسه وی با زینب (علیها السلام) و اینکه بین شیعه و امام معصوم (ع) واسطه شده و می توانسته در این خصوص جوابگو باشد، نشان از رشد علمی این بانو، افزون بر کمالات روحی اوست. این مطلب را علاوه بر شیخ صدوق، شیخ مفید نیز به شکل خلاصه تری ذکر کرده است. (۱)

۱- الفصول العشره، شیخ مفید، ص ۶۹.

ص: ۶۴

ص: ۶۵

جزء صالحات قانتات

زن «صالحه» در تعابیر قرآن و روایت، به زنی که ایمان و عمل صالح در جای جای وجودی وی نقش بسته است، اطلاق می شود و «قانته» ، زنی است که به مقام خشوع محض در برابر حق تعالی نائل شود؛ همان طور که به حضرت مریم (علیها السلام) خطاب می شود:

یا مَرْیَمُ اقْنُتِی لِرَبِّکِ وَ اسْجُدِی وَ ارْکَعِی مَعَ الرَّاکِعِینَ (آل عمران:۴۳)

ای مریم (اینک که زن برگزیده و سیده نساء عالمین شدی) ، برای خدایت خضوع نموده و سجده و رکوع به جای آور.

حال با توجه به این نکات، حضرت حدیثه (علیها السلام) جزء زنانی است که به این مقامات نائل شده است و منابع مهم و اصلی شیعه از جمله حسین بن عبدالوهاب، به

ص: ۶۶

این نکته تصریح کرده اند. (۱)به همین جهت است که این بانوی محترمه، مورد توجه بزرگان از اصحاب امامین عسکریین (علیهما السلام) قرار داشته و همواره به بزرگی یاد می شده است. تعلّق خاطر آن حضرت به امامان زمان خویش، یعنی همسرش امام هادی (ع) و فرزند و نوه اش امام عسکری (ع) و حضرت حجّت (عج) ، باعث شد که وی وصیت نماید تا پس از مرگ در سامراء و در کنار دو امام معصوم (ع) دفن شود. (۲)

والسلام علیها یوم ولدت و یوم ماتت و یوم تبعث حیّاً.

۱- عیون المعجزات، ص ۱۲۳.

۲- ریاحین الشریعه، ج۳، شرح حال حضرت حدیثه (علیها السلام) .

ص: ۶۷

فصل سوم: حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)

اشاره

ص: ۶۸

ص: ۶۹

معرفی نرجس خاتون (علیها السلام)

نرجس (۱)خاتون (علیها السلام) در سرزمین روم به دنیا آمد. ایشان، دختر یشوعا، پسر قیصر روم و نامش ملیکا بود.

وی از جانب مادر، نسبش به «شمعون بن حمّون الصَّفا» ، وصی نامدار حضرت عیسی بن مریم (ع) می رسد. شمعون الصّفاء که از شدّت زهد و تقوا، برترین حواری مسیح (ع) بود، به مقام وصایت آن حضرت رسید. نسل دختری وی، پس از قرن ها و از طریق یکی از نوادگان دختری او به دوشیزه ای طاهره و مطهره منتهی شد. وقتی این دوشیزه به سن ازدواج رسید، به دلیل داشتن شرافت حَسَب و نَسَب، در بین اشراف و بزرگان خواستگاران زیادی داشت. اما در

۱- نرجس، تلفظ عربی نرگس است که در زبان فارسی گُلی است که می تواند چندین سال متوالی گُل دهد.

ص: ۷۰

این بین، قیصر مایل بود که نوهٔ عزیزش را به عقد یکی از نوه های پسری خویش در بیاورد و این مسئله، امری بسیار طبیعی می نمود.

قیصر روم برای تحقق خواسته اش، مجلس عقد باشکوهی آراست. در این مجلس، اعیان و اشراف حواریین، علمای مسیح و نیز صدها نفر از بزرگان دربار حضور داشتند. قیصر در صدر مجلس، بر تختی مرصّع از طلا نشسته و در کنار خود تختی برای عروس و داماد گذاشته بود. هنگامی که عالم بزرگ نصرانی، شروع کرد به خواندن مقدمات خطبه عقد، ناگاه محل نشستن داماد به هم ریخت و او از تخت به زمین افتاد؛ به گونه ای که بیهوش شد. رخداد عجیبی بود. رنگ از رخسار قیصر و حاضران پرید. ملیکا نیز بسیار متعجب و به شدت مضطرب شد. ازاین رو بنابر صلاحدید بزرگ نصاری، آن مجلس به زمان دیگری موکول شد. (۱)

ماجرای آن روز، سخت افکار ملیکا را به خود مشغول کرد. او از همان ابتدا به این ازدواج بی میل و به داماد بی علاقه بود تا اینکه خواب عجیبی دید. وی خواب و رؤیای خود را این چنین بیان کرده است:

۱- کمال الدین، ص ۴۱۷.

ص: ۷۱

آن شب در خواب دیدم که حضرت «مسیح (ع)» و «شمعون بن حمّون الصّفا» و جمعی از حواریین، در کاخ قیصر اجتماع کرده اند. آنها در همان مکانی که تخت بر آن قرار داشت، منبری از نور که بلندی آن به آسمان می رسید، نصب نمودند. در آن حال، شخصی با هیبت و وقار فوق العاده ای، درحالی که چهره اش چون نور ماه می درخشید، وارد شد و به دنبال او جمعی مانند وی با چهره های بسیار زیبا در آن مجلس حضور یافتند. در رؤیا به من فهماندند که وی پیامبر آخرالزمان، یعنی محمد (ص) و آن همراهان نورانی، اهل بیت طاهرین او می باشند.

حضرت مسیح و همراهانش به استقبال ایشان رفته و در برابر آنها خضوع کردند. پیامبر اسلام بعد از لحظاتی به مسیح رو کرد و فرمود: «ای روح الله، آمده ام که از وصی تو، یعنی شمعون، دخترش ملیکا را برای این فرزندم (درحالی که اشاره به یکی از اختران نیک نظر پیرامونش می نمود) خواستگاری کنم» . در آن حال به فردِ مورد نظرِ محمد (ص) نگریستم. او «حسن بن علی العسکری (علیهما السلام)» نام داشت. مسیح (ع) نگاهی به شمعون کرد و فرمود: «ای شمعون، آگاه باش که عزّت و شرافت ابدی به سویت آمده، شتاب کن که نسل خویش را به نسل محمد (ص) پیوند دهی!» جدّ من شمعون نیز با

ص: ۷۲

خوشحالی تمام، درحالی که به سوی من می نگریست و لبخند مبهوتانه مرا می دید، موافقت خویش را با جان و دل اعلام کرد. در آن هنگام پیامبر اسلام، بر همان منبر قرار گرفت و با خواندن خطبه غرایی، مرا به عقد فرزند خویش در آورد و محمدیان و عیسویان را بر این عقد گواه گرفت و آن مجلسی، با شور و شادباشی گفت و شعف حاضران رو به اتمام می رفت که من از خواب بیدار شدم. (۱)

ملیکا فردای آن روز نمی دانست درباره خوابش به اطرافیان چه بگوید. غم و اندوه سراپای وجودش را گرفت. ندیمه های وی، وقتی این حال را دیدند، کوشیدند راز درونی اش را کشف کنند. ولی ملیکا، در برابر پرسش های ایشان، سکوت می کرد. وی به تدریج از خواب و خوراک افتاد و پس از مدتی بیمار شد. آری او بیمار شده بود. بیمار عشق جاودانه به حجت باهرهٔ الهی که در آن زمان در خانه امام هادی (ع) و در نقطه دور دست، یعنی سامرا به سر می برد. خبر بیماری ملیکا، افکار قیصر را بسیار پریشان کرد. وی

۱- این ماجرا، با ضمیمه مقدمات و مؤخرات در آثار مهمی همچون کتاب کمال الدین و تمام النعمه، صص ۴۱۷ - ۴۲۳؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۱۰؛ مناقب آل ابی طالب۷، ج ۳، ص۵۳۹؛ اعلام الوری، ج۲، ص۲۱۵ و. . . وارده شده است.

ص: ۷۳

دستور داد که طبیبان حاذقی را بر بالین نوه اش حاضر کنند. ولی معالجات آنها در بهبودی آن دوشیزه نیک سیرت بی فایده بود. کشیشان زاهد و آنهایی که به دیانت و صلاح معروف بودند، به بالین او می آمدند و برای وی دعا می کردند. ولی همه این اقدامات بی ثمر بود. در آن زمان، به دلیل گسترش اسلام و فتوحات مسلمانان که از سال نوزده هجری شروع شده بود (۱)، پیوسته بین رومیان و مسلمانان نبرد بود و گاهی از دو طرف اسیر هم می گرفتند و چون رسم بود که برای برآورده شدن نیاز و حاجت، افزون بر دستگیری مستمندان، به اسیران نیز ملاطفت کنند، به همین جهت، ملیکا از پدربزرگش خواست که قدری به اسیران مسلمان آسان بگیرد تا مسیح (ع) و مریم مقدس (علیها السلام) به برکت این اقدام، به او عنایتی کنند.

قیصر از این پیشنهاد خوشحال شد و استقبال کرد. چندی بعد، اوضاع روحی و جسمی ملیکا بهتر شد و میل به غذا پیدا کرد.

در شبی دیگر، بانوی باشکوهی را در خواب دید

۱- پس از ورود مسلمانان به شامات که جزو سرزمین های وابسته به روم بود، عملاً روم با حاکمیت اسلامی هم مرز شد؛ برخی از این مناطق عبارت اند از: سوریه، اردن، لبنان امروزی و برخی سرزمین های پیرامون آن.

ص: ۷۴

که حوریان بهشتی دورش را گرفته بودند و نور چهره اش، محیط پیرامون را روشن کرده بود. ملیکا از خود می پرسید این بانو کیست که ناگاه متوجه شد مریم مقدس (علیها السلام) در حال خدمتگزاری به اوست! مریم مقدس (علیها السلام) نگاهی به ملیکا انداخت و فرمود: «این بانوی یگانه عالم، فاطمه دختر رسول اعظم اسلام و مادر همسر توست» .

ملیکا با شنیدن این مطالب، نزد فاطمه (علیها السلام) شتافت و سر بر کف او و دامنش نهاد و به شدّت گریست. وی با خطاب کردن به فاطمه به عنوان مادر، از غم فراق همسر، نالید. فاطمه (علیها السلام) ، با نگاه رحمانی خویش، صورت زیبای عروسش را نظاره کرد و درحالی که قطرات اشک او را پاک می کرد، فرمود: «ابتدا بایستی به آیین اسلام مشرف شوی» .

آن گاه کلمه شهادتین از زبان صدیقه کبری جاری شد و ملیکا، همان کلمات را به زیبایی ادا کرد. ملیکا خود می گوید:

وقتی آن کلمات را گفتم، بانوی یگانه اسلام، مرا به سینه خویش فشرد و به من بشارت داد که به زودی به

فرزندم ابومحمد (حسن عسکری) ملحق خواهی شد.

و این بشارتی بزرگ برای ملیکا بود.

ص: ۷۵

حدیث وصلت

یکی از یاران باوفای امام هادی (ع) به نام بِشر بن سلیمان گوید:

شبی در منزل خویش و به اتفاق خانواده ام به سر می بردم که در منزل به صدا درآمد. وقتی در را گشودم، کافور، خادم امام علی النقی (ع) را دیدم. به من سلام کرد. پاسخ دادم. او حاوی پیغامی از سوی امام بود. به من گفت: «امام تو را احضار کرده است!»

من با تعجب از اینکه در آن وقت شب، چه موضوعی پیش آمده، به سرعت لباس پوشیده و آماده حرکت به سوی خانه امام شدم. در مسیر منزل آن حضرت، مدام فکرم مشغول بود؛ آن قدر که نفهمیدم چه موقع به منزل رسیدم. [محلّه عسکر در سامراء، زیر نظر جاسوسان حکومت بود. ولی این

ص: ۷۶

مسئله مانع از آن نبود که یاران امام هادی (ع) و سپس امام عسکری (ع) نتوانند ایشان را ملاقات کنند].

بشر در ادامه می گوید:

وقتی که وارد منزل امام هادی (ع) شدم، فرزندش حسن عسکری (ع) و خواهرش حکیمه (ع) در خدمتش بودند. امام دستور داد که بنشینم. پس از عرض سلام و ادب و بوسیدن دست آن بزرگواران، سراپاگوش در محضرشان نشستم. ترنم زیبا و دل انگیز صدای امام سکوت مجلس را شکست. حضرت فرمود: «ای بشر، تو از اولاد ابو ایّوب انصاری هستی و رشته محبت و ولایت ما خاندان، مدام در پدرانت جریان داشته است. بنابراین، امشب رازی از اسرار خودمان را به تو نمایان کرده و مأموریتی مهم را به تو واگذار خواهم کرد!

سپس حضرت نامه ای نوشته و همراه کیسه ای پول در اختیار من قرار داد و فرمود: «این نامه ای است به زبان رومی و این کیسه، حاوی ۲۲۰ دینار زر است. اینها را بردار و به بغداد برو. در صبح روزی که برایت خواهم گفت، یک کشتی کوچک در ساحل دجله آرام می گیرد و فردی که به همراهش چند کنیز و اسیر رومی است، در آنجا پیاده شده،

ص: ۷۷

آنها را در محل معینی حاضر خواهد کرد. نام آن مرد برده فروش عمرو بن یزید است. در میان کنیزانی که همراه اوست، دوشیزه ای در هیئت و شکل کنیزان، دو جامه حریر به تن دارد که از نگاه دیگران، حتی صورت خویش را نیز پوشیده و پنهان داشته است. عده ای که طالب او هستند، پیشنهاد خرید او را می دهند، ولی او ابا می کند. فردی فریاد خواهد زد: من او را به سیصد دینار زر خالص می خرم و درحالی که صاحبش مایل به این معامله است، او خواهد گفت: اگر تو در زی و هیئت سلیمان بن داود نبی بوده، بر تخت او قرار گیری نیز به این کار رغبتی ندارم؛ پس مال خویش را تلف نکن! در آن وقت صاحب او به وی خواهد گفت: پس من با تو چه کنم که به هیچ کس راضی نمی شوی؟ ! پس ای بشر، در آن هنگام به طرف صاحب کنیز برو و بگو: من نامه یکی از بزرگان که به زبان رومی نوشته را همراه دارم. به کنیز خود بده و اگر خواند و مایل بود، او را با من همراه کرده و به من بفروش؛ زیرا من وکیل صاحب نامه و پول ها هستم. آن گاه نام خویش را بگو. (۱)

۱- کمال الدین، صص ۴۱۷- ۴۱۹؛ الغیبه، ص ۲۱۰.

ص: ۷۸

بشر با گرفتن نامه و کیسه زر و با بوسیدن دست امام، از محضر آن حضرت مرخص و عازم بغداد شد. وی به همان گونه که امام فرموده بود، در محل معین حاضر شد و دقیقاً همان مطالبی که امام فرموده بود را مشاهده کرد و هنگامی که نامه را به صاحب کنیز داد، او که زبان رومی نمی دانست، نامه را به ملیکا سپرد. شاید امام با نوشتن نامه به زبان رومی، خواسته بود که کسی از محتوای آن آگاه نشود و این ماجرای تاریخ ساز که زمینه ساز تولد مهدی موعود (عج) است، پنهان بماند. حتی خود بشر نیز از تمام ماجرا بی خبر بود. وقتی چشم ملیکا به نامه افتاد و آن را خواند، به گریه افتاد و به عمرو بن یزید گفت: «مرا به صاحب این نامه بفروش. به خدا اگر چنین نکنی، خود را هلاک خواهم کرد!»

بشر می گوید:

صاحب کنیز به مبلغ ۲۲۰ دینار راضی شد و من عیناً همان مبلغ را در اختیار او قرار دادم و فرموده مولایم تحقق یافت. سپس آن دوشیزه پاک سیرت با من به راه افتاد. برای اینکه مأموریتم را درست انجام دهم، ابتدا به منزلی رفتیم که پیش تر با آنجا آشنا بودم تا با بررسی اینکه خطری از سوی مأموران و

ص: ۷۹

جاسوسان حکومت متوجه مأموریتم نیست، امانت را به صاحب اصلی برسانم. وقتی که در منزل موعود وارد شدیم، از اینکه چگونه آن دوشیزه، با اینکه صاحب نامه را نمی شناخت، از دیدن خط وی به گریه افتاد، تعجب کردم و تعجّب بیشترم از این بود که او با وجود ملیّت و اصالت رومی، چگونه به عربی تکلم می کرد. وقتی این موضوع را پرسیدم، چون می دانست که من محرم راز صاحب نامه هستم، ماجرای خویش را بیان کرد و در انتها فرمود: «وقتی که اولین بار، در خواب خویش به محضر بانوی بزرگ اسلام و عالم، حضرت فاطمه (علیها السلام) مشرف شده و شهادتین خویش را با کلمات گهربار او گفتم، وی به من مژده داد که به زودی ایام هجران به سر خواهد رسید؛ با همین آرزو مدتی به سر بردم تا اینکه شبی در خواب به من فرمود: به زودی نبردی بین مسلمانان و رومیان روی خواهد داد؛ خود را در شکل کنیزان به مسلمانان نزدیک کن تا اسیر شوی. آن گاه توسط فردی به مقصود خویش خواهی رسید. من نیز همان کردم و توانستم با زحمت از قصر بیرون آمده، خود را به منطقه نبرد برسانم. هنگامی که به اسارت درآمدم، از هویت خویش چیزی بر صاحبم که

ص: ۸۰

پیرمردی عرب بود، نگفتم تـا بقیه مـاجرا که دیـدی. امّـا اینکه به زبـان عربی تکلم می کنم، به این دلیل است که به جهت ارتباطات دربار پدربزرگم، قیصر، با مسلمانان، آموختن زبان عربی، مطلبی رایج بود و من نیز به همین شکل، آموختم و محتوای نامه مولایت، همان بود که در رؤیای خویش دیده بودم» .

اعتقاد بشـر با شـنیدن این مطالب که درباره کرامت امام و مقتـدای خویش بود، راسخ تر شد و توانست پس از چند روز، ملیکا را به سامرا برساند.

ص: ۸۱

پایان انتظار

بشر بن سلیمان نقل می کند که به همراه نرجس (علیها السلام) به حضور مولایم، حضرت هادی (ع) رسیدیم. وقتی نگاه نرجس (علیها السلام) به امام هادی (ع) افتاد، با محبت تمام به آن حضرت سلام و عرض ادب کرد. امام با ملاطفت پدرانهٔ خویش پاسخ سلام نرجس (علیها السلام) را داد و به او فرمود:

دخترم، مشاهده کردی که چگونه، حق تعالی عزت اسلام را بر آیین مسیحیت و شرافت محمد (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) او را نمایان ساخت؟

نرجس (علیها السلام) با خوشحالی عرض کرد:

«آری ای وصّی پیامبر، همین طور است که می فرمایی. اما من چگونه بتوانم چیزی را وصف کنم که خود به آن داناتری؟ !

در آن ساعت زنان خانه امام هادی (مادر و همسر

ص: ۸۲

وی) از نرجس (علیها السلام) استقبال کرده، و او را در آغوش محبت خویش گرامی داشتند. امام هادی (ع) ، ساعتی بعد، رو به نرجس (علیها السلام) کرد و فرمود:

من برای اکرام تو و به یُمن قدومت، یکی از دو چیز را بر تو عرضه می کنم. هر کدام را که خواهی برگزین؛ یا ده هزار دینار به تو بدهم، یا اینکه به شرف ابدی بشارتت دهم!

نرجس (علیها السلام) عرض کرد: «بلکه من به شرافت ابدی مایلم!» .

حضرت فرمود:

تو را بشارت می دهم به فرزندی که مالک شرق و غرب عالم شده و جهان را به عدل و داد رهنمون شود؛ همان طور که از ستم و بیداد پُر شده باشد.

نرجس (علیها السلام) پرسید: «پدر این مولود کیست؟» امام فرمود: «همان که پیامبر اسلام، تو را برای او خواستگاری کرد» .

آن گاه پرسید: «دخترم، تو را مسیح و وصی او شمعون به عقد چه کسی در آوردند؟» نرجس (علیها السلام) با حُجب و حیاء پاسخ داد: «به عقد فرزند شما ابومحمد!» امام فرمود: «آیا اگر او را ببینی، می شناسی؟» نرجس (علیها السلام) پاسخ داد:

ص: ۸۳

از همان شبی که به دست بهترین زنان و بانوان عالم، فاطمه (علیها السلام) به اسلام گرویدم، او هر شب به خواب من می آمد. پس چگونه می شود که او را نشناسم؟ ! (۱)

پس از این سخنان، امام عسکری (ع) با صورت نجیب و نورانی اش وارد اتاق شد. امام عسکری با اشاره پدربزرگوارش در کنار نرجس (علیها السلام) نشست. آری، امام عسکری (ع) همچون پدر دانست که این دوشیزه مکرمه مادر مهدی موعود (عج) خواهد بود.

در آن هنگام حکیمه (علیها السلام) خواهر امام هادی (ع) ، به امر امام وارد اطاق شد. حکیمه (علیها السلام) از زنان با فضیلت، دارای ملکات اخلاقی، دانا به معارف دین و تربیت شده دو امام معصوم (ع) ، یعنی پدرش امام جواد (ع) و برادرش امام هادی (ع) بود. وی به دلیل همین امتیازات، ویژگی هایی داشت که دیگر همسران اهل بیت (علیهم السلام) ، در دوره امام هادی (ع) نداشتند. (۲)

حکیمه (علیها السلام) مأموریت داشت که قبل از شروع زندگی مشترک نرجس (علیها السلام) با برادرزاده اش، معارف

۱- کمال الدین، ص۴۲۳؛ الغیبه، ص۲۱۰.

۲- به همین مناسبت در ولادت امام مهدی [، حضور داشت؛ کمال الدین، ص ۴۲۴؛ بحارالانوار، ج۵۱، ص۳۶۲.

ص: ۸۴

دین و دستورات الهی اسلام را به نرجس (علیها السلام) بیاموزد. وقتی که حکیمه (علیها السلام) ، وارد منزل برادر شد، امام هادی (ع) به او فرمود: «خواهر جان، این همان مهمانی بود که منتظر ورودش بودیم» . حکیمه به سمت این دوشیزه رومی رفت، دست در گردنش انداخت و تا مدتی او را نوازش کرد و بوسید. (۱)

از این رفتارها معلوم می شود که امام، اسراری را در خصوص نرجس (علیها السلام) به حکیمه (علیها السلام) بیان کرده بود.

۱- بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۰.

ص: ۸۵

وصال سرنوشت ساز

مـدتی از همنشـینی شـبانه روزی حکیمه (علیهـا السـلام) بـا نرجس (علیهـا السـلام) می گـذشت. در آن زمـان کوتاه، حکیمه (علیها السـلام) به امر امـام هادی (ع) دسـتورات و تکالیف شـرع را به نرجس (علیها السـلام) آموخت و بالأخره، در شبی مبارک، زنـدگی مشترک نرجس (علیها السلام) با امام عسکری (ع) آغاز شد.

هنوز مدتی از ازدواج ملکوتی این دو نگذشـته بود که امام هادی (ع) در زمان معتز عباسـی (۲۵۲– ۲۵۵ه. ق) و به دست کارگزاران او به شـهادت رسید. (۱)شهـادت آن حضـرت در سوّم رجب سال ۲۵۴ه. ق، اتفـاق افتاد. از همین زمان، دوران امامت حضـرت امام حسن عسکری (ع) آغاز شد. وی در مدّت امامت خویش، افزون بر معتز، با دو خلیفه دیگر، یعنی

۱– دولت عباسیان، محمدسهیل طقوش، ص ۲۲۸.

ص: ۸۶

مهتدی (۲۵۵ – ۲۵۶ه. ق) و معتمد (۲۵۶ – ۲۷۹ه. ق) معاصر بود. (۱)

فشار و کنترل سختی بر آن حضرت و خانواده اش، در این ایّام وارد می شد. این اقدامات و سخت گیری حاکمیت، به ویژه در طول دوران معتمد عباسی را نمی توان بی تأثیر از مسئله مهدویت دانست؛ زیرا حدیثی رایج و شایع بین علما و راویان از پیامبر (ص) نقل می شد که آن حضرت فرموده بود:

همانا مهدی، همنام من و شبیه ترین مردم به من خواهد بود و او دارای غیبت طولانی و از انظار مخفی بوده و بعد از دوره غیبت، جهان را از عدل و داد پُر خواهد کرد؛ همان گونه که از ستم مملو شده است. (۲)

احادیث دیگری نیز از آن حضرت، حاکی از آن بود که مهدی، نهمین فرزند امام حسین (ع) است (۳)و

۱- دولت عباسیان، ص ۱۸۱.

۲- پیامبر اکرم۹ فرمود: «المهدی من ولدی، اسمه اسمی و کنیته کنیتی، أشبه الناس بی خَلقاً و خُلقاً تکون له غیبهٌ و حیرهٌ تضلّ فیها الامم. . . یملأها عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً» ؛ عیون اخبار الرضا (ع) ، ج ۱، ص ۴۱؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۴۳؛ الغیبه، محمد بن ابراهیم نعمانی، ص ۶۲.

۳- این روایات از طریق شیعه فراوان و از طریق اهل سنت، دست کم چهل روایت داریم که از طرف خودشان توثیق شده است.

ص: ۸۷

مطابق محاسبه عادی که خلفای عباسی از زبان علمای دربار خویش داشتند، وی فرزند امام عسکری (ع) می توانست باشد و به همین دلیل، نهایت سخت گیری را برای شناسایی و از بین بردن او داشتند.

ص: ۸۸

ص: ۸۹

شب موعود

سرانجام شبی که وعدهٔ بزرگ حق تعالی بایستی محقق شود، فرا رسید. آن شب، نیمه شعبان بود؛ شبی که نزد مسلمانان پرخیر و برکت محسوب می شده است. (۱)در این شب، مولودی متولد می شد که شیوهٔ تولّدش مانند حضرت ابراهیم و حضرت موسی (علیهما السلام) بود، یعنی تا پیش از تولد، آثار حمل در مادر ایشان مشهود نبود. مشیت الهی بر این بود که به این صورت جان حجت باهرهٔ خویش حفظ شود و این همان معنایی است که بایستی آن حضرت، نشان و شباهتی به همه انبیا داشته باشد.

۱- در عظمت این شب، احادیث بسیار مهمی از پیامبر (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده و مقرون به اعمال مهمی، مانند احیاء، زیارت سید الشهدا (ع) و. . . است. روزه نیمه آن بسیار فضیلت داشته و نزد عامّه نیز بسیار مورد توجه است.

ص: ۹۰

حکیمه خاتون (علیها السلام) ماجرای ولادت او را این چنین نقل می کند:

ایام ماه شعبان، رفت و آمد بیشتری به منزل امام و برادرزاده ام داشتم. شب نیمه شعبان فرا رسید. وقتی نزدیکی های غروب و با زبان روزه، عزم بـازگشت به منزل کردم، امـام عسـکری (ع) ، به من فرمود: «عمه جـان، امشب افطـار نزد مـا بمان که واقعه مهم در همین امشب خواهد بود» . من با تعجّب فراوان، به نرجس (علیها السـلام) نگاه کردم. حیرتم از آن بود که هیچ آثار حمل بر وی نبود. ولی یقین داشتم که سخن حجت خداوند متعال حق است. به همین جهت و با اشتیاق فراوان، آن شب را در خانه امام خویش ماندم. پس از ادای فریضـه مغرب و صـرف افطـار، بیشـتر شب را بـا نرجس (علیهـا السـلام) گذرانـده و چشم از او برنمی داشـتم. آن شب محل استراحت خویش را کنار آن بانوی محترم گستردم. بعـد از ساعتی استراحت، برای تهجـد و نماز شب برخاسـتم. بعـد از اتمام هر دو رکعت از نماز شب، به سوی نرجس (علیها السـلام) که او نیز مشـغول تهجد بود، می نگریسـتم. او هم با محبّت به من نگاه می کرد. کم کم به لحظات فجر نزدیک شدیم. تا اینکه در انتهای نماز وتر، در دلم حالتی پیش آمد که نکند، تبدیل و تغییری پیش

ص: ۹۱

آمده باشد که ناگاه صدای ملکوتی امام را شـنیدم که می فرمود: «عمه جان در وعدهٔ حق تعالی تردید نکن که وقت موعود نزدیک شده است!» . (۱)

در همان زمان بین من و نرجس (علیها السـلام) گویی حائلی به وجود آمـد و اطاق را نور فراوانی فراگرفت که مانع از آن می شد تا پیرامون خود را ببینم. درحـالی که متعجّب بودم و حـال عجیبی داشـتم، ناگـاه چشـمم به نور عادت کرد و نرجس (علیها السـلام) را دیدم که به سمت مولودی مبارک می نگرد. نمی دانم چگونه خود را به مولود رساندم. رخسار زیبایش چنان مرا به وجد آورده بود که از خود بی خود شده بودم. ناگاه صورت زیبا و دلربایش که با زبان بسـیار فصیح این آیه را می خواند وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ (۲)، وَ قُلْ جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ إِنَّ الْباطِلَ کانَ زَهُوقاً (۳)، مرا به خود آورد. لحظاتی بعد، درحالی که به سجده رفته بود، صدای امامم را

۱- «یا عمه لا تشکّی فی امر الله» ؛ کمال الدین، ص ۴۲۴؛ مدینه المعاجز، ج۸، ص ۱۰؛ الخرائح و الجرائح، ج۱، ص ۴۵۵؛ الثاقب فی المناقب، ابن حمزه طوسی، ص ۱۵۲.

۲- «و ما اراده کردیم که بر مستضعفین عالم منت گذارده و ایشان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم» . (قصص: ۵)

۳- «بگو حق آمد و باطل نابود شد که همانا باطل نابود شدنی است» ، (اسراء: ۸۰) .

ص: ۹۲

شنیدم که می فرمود: «عمه جان، فرزندم را نزد من بیاور» . (۱)

من نوزاد را به سمت پدر بردم. امام عسکری (ع) دلبندش را در آغوش گرفت و برایش اذان و اقامه خواند. او را بویید و بوسید و در حالی که با نگاه محبت آمیز به فرزندش می نگریست، او را به من بازگرداند تا به مادرش برسانم. (۲)

از همان اوان تولد تا شهادت امام عسکری، یعنی از نیمه شعبان ۲۵۵ه. ق تا هشتم ربیع الاول ۲۶۰ه. ق، تنها چند نفر از یاران خاص امام عسکری (ع) ، مانند احمد بن اسحاق، یعقوب بن منقوش، عمرو الاهوازی، محمد بن عثمان عمروی و. . . بودند که موفق به زیارت وی شدند.

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۲۴؛ مدینه المعاجز، ج۸، ص ۱۰؛ الخرائح و الجرائح، ج۱، ص ۴۵۵؛ الثاقب فی المناقب، ص ۱۵۲.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ص۴۲۵.

ص: ۹۳

حدیث هجران

حـدود شـش سال از زنـدگی نورانی و سراسـر مهر و محبّت امام عسـکری (ع) با نرجس (علیها السـلام) از زمان تولد فرزندشان می گذشت. در این مدّت، ولادت حضرت مهدی (عج) ، گرمی بخش دل پدر و مادر بود. امّا سعی وافر کارگزاران معتمد عباسی برای یـافتن وی، عرصه را بر ایشـان تنگ کرده بود. امّا به خواست حق تعالی جاسوسان معتمـد نمی توانسـتند، بر امام دست یابنـد. عاقبت تدبیر آنها بر به شـهادت رساندن امام عسـکری (ع) اسـتوار شده بود و این مسـئله بعد از ایامی بود که «صالح بن وُصـیف» ، گماشـته خلافت، امام را تحت نظر داشت. (۱)

روزی که زهر جفای معتمد عباسی به وجود

۱- اعلام الوری، ج۲، ص۱۴۱؛ فصول المهمه، ص ۳۷۵.

ص: ۹۴

نازنین امام عسکری (ع) سرایت کرد، مادر بزرگوارش حضرت حدیث (علیها السلام) و همسرش نرجس (علیها السلام) با اضطراب فوق العاده ای در کنارش بودند. همسر امام، جوشانده ای را حاضر کرد و امام با توجه به تأثیر زهر بر پیکر مبارکش، شخصاً نتوانست از ظرف بیاشامد و به خدمتکارش «عقید» دستور داد که فرزندش مهدی را حاضر کند. دلبند امام عسکری (ع) و نرجس (علیها السلام) ، درحالی که چهره اش چون قرص ماه می درخشید وارد اطاق شد و آن ظرف را نزدیک لب های پدر برد و درحالی که امام به چهرهٔ زیبای او می نگریست، فرمود: «تو فرزند و جانشین من و آخرین وصی پیامبر خاتم هستی که به آمدنت بشارت داده است» . (۱)

سپس آن امام همام جان به جان آفرین تسلیم کرد. پس از شهادت امام عسکری (ع) دیری نپایید که روح قدسی حضرت نرجس خاتون به سوی خداوند پرواز نمود. (۲)پیکر مطهر این بانوی با عظمت، به امر امام در کنار مزار همسرش حضرت عسکری دفن گردید. آن

۱- کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص۲۷۱؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص ۱۶.

۲- برخی روایات حاکی از این است که نرجس (علیها السلام) ، قبل از شهادت امام عسکری (ع) از دنیا رفته است، ولی روایاتی نیز مؤید مطالب ذکر شده است. از روایات دال بر مطلب اوّل، مستدرک سفینه البحار، نمازی شاهرودی، ج۱۰، ص۱۲۴ است.

ص: ۹۵

حضرت در زیارت، صدیقه، مرضیه، تقیه، نقیه، طاهره، عارفه، مؤمنه و مستبصره (۱)نامیده شده است که همگی حاکی از اوج تعالی روحی آن بانوست.

والسّلام علیها یوم وُلدتْ و یوم ماتت و یوم تبعث حیّاً.

۱- از زیارتنـامه آن بزرگوار، کتاب مصباح الزائر، سید بن طاووس، ص۴۱۳؛ نقل از کتاب نرگس (علیها السلام) همدم خورشید، محمدباقر پورامینی از مجموعه مادران نمونه، همان، ص۶۴۳.

ص: ۹۶

ص: ۹۷

کتابنامه

* قرآن کریم.

۱. الاحتجاج، ابومنصور احمد بن علی طبرسی، تحقیق: محمدباقر الخرسان، بیروت، دارالنعمان، بی تا.

۲. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، محمد بن نعمان (شیخ مفید) ، قم، آل البیت لاحیاء التراث، بی تا.

۳. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، شیخ مفید، قم، مکتبه بصیرتی.

۴. اصول کافی، ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفّاری، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ه. ق.

۵. اعلام الوری باعلام الهدی، فضل بن الحسن طبرسی، قم، نشر آل البیت (علیهم السلام) ، ۱۴۱۷ه. ق.

۶. اقبال الاعمال، رضی الدین سید بن طاووس، تحقیق: قیومی اصفهانی، قم، اعلام الاسلامیه، ۱۴۱۶ه. ق.

۷. الانوار البهیه، شیخ عباس قمی، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ه. ق.

۸.

ص: ۹۸

بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، چاپ چهارم، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۳ه. ق.

۹. بصائر الـدرجات الکبری فی فضائل آل محمـد (ص) ، محمـد بن حسن صـفار، تحقیق: حاج میرزا کوچه باغی، تهران، منشورات اعلمی، ۱۳۶۲ه. ش.

۱۰. تاریخ موالید الائمه، حافظ نصر خشاب بغدادی، قم، مکتبه مرعشی، ۱۴۰۶ه. ق.

۱۱. الثاقب فی المناقب، ابن حمزه طوسی، انصاریان، قم، ۱۳۸۶ه. ش.

۱۲. الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، قم، مدرسه امام مهدی (عج) ، ۱۴۰۹ه. ق.

۱۳. الخرائج والجرائح، قطب الدین راوندی، قم، الامام الهادی، بی تا.

۱۴. الدروس الشرعیه، محمد بن علی جبل عاملی (شهید اوّل) ، چاپ اوّل، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۱۴ه. ق.

۱۵. دلائل الامامه، محمد بن جریر رستم طبری الامامی، چاپ اول، قم، بعثت، ۱۴۱۳ه. ق.

۱۶. دولت عباسیان، محمد سهیل طقوش، ترجمه: محمود جودکی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ه. ش.

۱۷. الذکری، محمد بن علی جبل عاملی (شهید اول) ، نسخه خطّی کرمانی، ۱۲۷۲ه. ق.

۱۸. سر السلسله العلویه، ابونصر بخاری، چاپ اول، قم، شریف رضی، ۱۴۱۳ه. ق.

۱۹. شرح اصول کافی، مولی صالح مازندرانی، بی تا، بی جا.

۲۰. الصحاح تاج اللّغه، اسماعیل بن حمّاد الجوهری، تحقیق:

عطّار، بیروت، دارالعلم للملائین، ۱۴۰۷ه. ق.

۲۱.

ص: ۹۹

طرائف المقال، سیدعلی اصغر چابلقی، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم، نشر مرعشی، ۱۴۱۰ه. ق.

۲۲. عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، ابن عنبه، تحقیق: محمدحسن الطالقانی، چاپ سوم، نجف اشرف، مکتبه حیدریه، ۱۳۸۰ه. ق.

۲۳. عیون اخبار الرضا (ع) ، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) ، چاپ اول، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۴ه. ق.

۲۴. عیون المعجزات، حسین بن عبدالوهاب، حیدریه، نجف ۱۳۶۹ه. ق.

۲۵. الغیبه، محمد بن ابراهیم نعمانی، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ه. ق.

۲۶. الغیبه، محمد بن حسن طوسی، چاپ اول، معارف اسلامیه، ۱۴۱۱ه. ق.

۲۷. فرهنگ زیارت، جواد محدثی، تهران، مشعر، ۱۳۸۷ه. ش.

۲۸. الفصول العشره، شیخ مفید، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ه. ق.

۲۹. الفصول المهمه، ابن صباغ مالکی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۱ه. ق

۳۰. قیام سبزجامگان، بهاءالدین قهرمانی نژاد شائق، چاپ اول، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۶ه. ش.

۳۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، اسلامیه.

۳۲. کشف الغمّه فی معرفه الائمه (علیهم السلام) ، علی بن عیسی اربلی، چاپ دوّم، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۵ه. ق.

۳۳. کفایه الاثر، ابن خزاز قمی، قم، نشر بیدار، ۱۴۰۱ه. ق.

۳۴. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۹ه. ق.

۳۵. لسان المیزان، ابن منظور زبیدی، بیروت، بی تا.

۳۶.

ص: ۱۰۰

مثیر الاحزان، ابن نما الحلّی، نجف اشرف، مکتبه حیدریه، ۱۳۶۹ه. ق.

۳۷. المجدی فی انساب الطالبیین، علی بن محمد علوی نسّابه، چاپ اول، قم، مکتبه مرعشی، ۱۴۰۹ه. ق.

۳۸. مدینه المعاجز، سیدهاشم بحرانی، تحقیق: گروهی به اشراف تهرانی میانجی، چاپ اول، معارف اسلامیه، ۱۴۱۵ه. ق.

۳۹. المزار الکبیر، محمد المشهدی، تحقیق: محمدجواد قیوّمی اصفهانی، چاپ اول، قم، اسلامیه، ۱۴۱۹ه. ق.

۴۰. مستدرک سفینه البحار، شیخ علی نمازی شاهرودی، قم، جامعه مدرسین.

۴۱. المسند، احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر، بی تا.

۴۲. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ترجمه: حکیم الهی قمشه ای، چاپ چهارم، نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۳ه. ش.

۴۳. مناقب آل ابی طالب (ع) ، ابن شهرآشوب مازندرانی، نجف اشرف، مکتبه حیدریه، ۱۳۷۶ه. ق.

۴۴. مناقب آل ابی طالب (ع) ، محمد علی بن شهرآشوب مازندرانی، قم، نشر علاّمه.

۴۵. موسوعه الامام الجواد، ابوالقاسم خزعلی، کار گروهی، چاپ اول، قم، مؤسسه ولی عصر، ۱۴۱۹ه. ق.

۴۶. موسوعه کلمات الامام الجواد (ع) ، گروه حدیث پژوهشکده علمی و کاربردی باقرالعلوم، قم، نور السجاد (ع) ، بی تا.

۴۷. نرگس، محمدباقر پورامینی، همدم خورشید، از مجموعه مادران نمونه، قم، نور السجاد (ع) .

۴۸. نقد الرّجال، سید مصطفی تفرشی، قم، آل البیت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۱۸ه. ق.

ص: ۱۰۱

۴۹. الهدایه الکبری، ابوالحسن بن حمدان خصیبی، چاپ چهارم، بیروت، البلاغ، ۱۴۱۱ه. ق.

۵۰. وفیات الائمه، گروهی از علمای قطیف، چاپ اول، بیروت، دارالبلاغه، ۱۴۱۲ه. ق.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان –خیابان عبدالرزاق – بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای – کوچه شهید محمد حسن توکلی –پلاک ۱۲۹/۳۴– طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹